

نظام ملی اطلاع‌رسانی دانشگاهی

• محمدرضا فرهادپور^۱

دانشجوی دکتری علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

که در این بخش غنی هستند، فراهم کنند. مفهوم نظام ملی اطلاع‌رسانی^۲ همان‌گونه که از سوی یونسکو ارائه شده است، به برنامه‌ریزی کلی نظام اطلاع‌رسانی ملی اشاره دارد و این به معنای برنامه‌ریزی یکپارچه خدمات کتابخانه‌ای، اطلاعاتی و آرشیو در گستره ملی است. هدف از چنین برنامه‌ریزی تدارک خدمات اطلاعاتی کارآمد برای همه بخش‌های جامعه است. کلید اصلی در این زنجیره مفهوم برنامه‌ریزی است. لذا ناگفته پیداست که برای تحقق چنین امری باید نقاط کانونی از قبیل تولید، توزیع و اشاعه اطلاعات، کاربران اطلاعات، زیرساخت‌های لازم، مباحث قانونی، نظارت و کنترل، مباحث مربوط به نقش و جایگاه بخش عمومی و بخش خصوصی و نظایر آنها مدنظر قرارگیرد (ویجاسوریا، ۱۹۷۹، ص ۲۷).



از این‌رو در زیرمجموعه نظام ملی اطلاع‌رسانی بخش‌های مختلف دست‌اندرکار در حوزه اطلاعات نیز باید دست به کار شوند و با توجه به شرایط خود با الهام از نظام ملی اطلاع‌رسانی و در امتداد سیاست‌های ملی، نظام‌های فرعی را تشکیل دهند. مجموعه آموزش عالی در هر کشوری از جمله بخش‌هایی است که به لحاظ حیطة کاری یکی از بخش‌های لاینفک و غیرقابل‌انکار در نظام ملی اطلاع‌رسانی است، زیرا به لحاظ وظیفه آموزشی و تربیت نیروی انسانی، باید دسترسی به اطلاعات را فراهم کند و چون اطلاعات درونمایه آموزش است، ناگزیر از راه‌اندازی نظامی برای تسهیل در امر فراهم‌آوری، سازمان‌دهی، ذخیره، بازیابی و اشاعه اطلاعات می‌باشد. اما کارکرد دیگر آموزش عالی حضور پررنگ در گستره پژوهش است. در این گستره مجموعه آموزش عالی از اطلاعات برای تولید اطلاعات و فناوری استفاده می‌کند، از این‌رو باید به اطلاعات دسترسی داشته باشد و البته بتواند نتایج یافته‌های خود را نیز به بهترین نحو تولید و عرضه

■ زندیان فاطمه. نظام ملی اطلاع‌رسانی دانشگاهی، تهران:

چاپار، ۱۳۸۷، ۱۶۰ ص، شابک: ۰-۰۴-۰۵۲۹۴-۶۰۰-۹۷۸

امروزه جایگاه برجسته اطلاعات در توسعه برکسی پوشیده نیست و البته دسترسی به اطلاعات نیز به همین سادگی امکان‌پذیر نمی‌باشد. بخش عمده اطلاعات علمی در کشورهای توسعه‌یافته تولید می‌شود و سهم کشورهای درحال توسعه بسیار ناچیز است. از آنجاکه می‌توان اطلاعات را اکسیر توسعه و پیشرفت و توانمندسازی سایر بخش‌ها برای جوامع امروزی دانست، تولید، توزیع و حتی استفاده از آن نیازمند سرمایه‌گذاری کلان است. همین امر در کنار اهمیت اطلاعات سبب شده است که کشورهای درحال توسعه به دلیل نداشتن برنامه و سیاست کلان در حوزه اطلاعات، نه تنها برای استفاده از اطلاعات در توسعه خود ناتوان باشند، بلکه فرصت استفاده و بهره‌برداری از امکانات خود را برای دیگرانی

کتاب حاضر که
برگرفته از مباحث
رساله دوره دکتری
مؤلف می‌باشد،
گستره نظام ملی
اطلاع‌رسانی در
بستر دانشگاهی
ایران را بررسی
کرده است



در فصل دوم، نظام ملی اطلاع‌رسانی تشریح شده است. در این فصل تعریف، اهداف، ویژگی‌ها، فواید، عملکرد، وظایف، ملزومات، شرایط ایجاد و استقرار، و مراحل مختلف کار یک نظام ملی اطلاع‌رسانی بیان شده است.

موضوع فصل سوم، بررسی سیاست ملی اطلاع‌رسانی است. مؤلف در این فصل ضمن معرفی اهمیت سیاست ملی اطلاع‌رسانی، نقش کتابخانه ملی در نظام ملی اطلاع‌رسانی و شبکه‌سازی در نظام ملی اطلاع‌رسانی را بررسی کرده است. ورود به این مباحث با توجه به اینکه ضرورت بیان آنها در تکمیل سیاست ملی اطلاع‌رسانی به‌خوبی به مخاطب ارائه نشده است، به‌رغم داشتن مباحث مفید تا حدودی غریب می‌نماید.

در فصل چهارم نظام ملی اطلاع‌رسانی در چند کشور منتخب معرفی شده است. در مباحث مقدماتی این فصل و پیش از ورود به معرفی نمونه‌ها، مباحث مفیدی درخصوص ضرورت ایجاد نظام ملی اطلاع‌رسانی و عوامل عدم ایجاد نظام ملی اطلاع‌رسانی در کشورهای درحال توسعه و جهان سوم بررسی شده است. مؤلف در بخش پایانی مقدمه فصل چهارم، به‌نقل از محمدتقی مهدوی می‌نویسد: «کشورهای درحال توسعه، از حیث تولید، اشاعه و مصرف اطلاعات وضعیتی کم‌وبیش مشابه دارند و تنها برخی از آنها به‌لحاظ موقعیت‌های خاص نظیر هند توانسته‌اند، بر این مشکلات فائق آیند». این در حالی است که کشور هند جزء نمونه‌های

کند، نتیجه تدبیر چنین نظامی در بهبود دسترسی به اطلاعات علمی و دانشگاهی، حمایت از انتشار و تبادل اطلاعات بومی، تقویت توانایی در مدیریت اطلاعات، ایجاد بستر مناسب برای همکاری‌ها در سطح محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و مواردی از قبیل نمود خواهد یافت.

کتاب حاضر که برگرفته از مباحث رساله دوره دکتری مؤلف می‌باشد، گستره نظام ملی اطلاع‌رسانی در بستر دانشگاهی ایران را بررسی کرده است. کتاب در هفت فصل سامان یافته است.

مؤلف در فصل اول برای شناخت بهتر و آماده‌سازی ذهنی مخاطب درباره موضوع موردبحث، در یک پارچوب نظری ارزش و اهمیت اطلاعات را تشریح کرده است، اینکه «ارزش اطلاعات به‌عنوان یک منبع عظیم ملی باید حفظ شود». در ادامه با استناد به مؤلفه‌های مختلف کوشیده است ضمن تبیین نقش و جایگاه اطلاعات در توسعه جوامع، اطلاعات و داشتن اطلاعات را به‌منزله ابزار توانمندی و برتری جوامع معرفی کند. از این‌رو میزان تولید، گردآوری، پردازش و اشاعه و کاربرد اطلاعات را نخستین وجه تمایز کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته دانسته و کسب دانش را برای توسعه و حذف شکاف بین جوامع فقیر و غنی اطلاعاتی راه چاره معرفی می‌کند. سپس دیدگاه‌های دانشمندی چون پیتر دراکر^۲ و دونکن^۳ را درباره نقش اطلاعات در فرآیند تصمیم‌گیری مطرح ساخته است.

مؤلف در مبحث اجزای نظام ملی اطلاع‌رسانی، به کانال‌های ارتباطی که سهم عمده‌ای در توزیع و دسترس‌پذیر کردن اطلاعات بر عهده دارد، اشاره‌ای نکرده است

ارائه‌شده نیست، لذا در حالی که در مباحث مقدماتی بر برخی از مشکلات اشاره شده و کشور هند در گذر از این مشکلات موفق معرفی شده، خلاً طرح نمونه نظام ملی آن کشور پیداست.

کشورهای مالزی، دانمارک، سنگاپور، اردن، اوگاندا، روسیه و انگلستان نمونه‌های ارائه‌شده در این فصل می‌باشند که به لحاظ گستره کمی و کیفی، بحث ارائه‌شده درباره وضع نظام ملی اطلاع‌رسانی این کشورها هرگز قابل مقایسه با هم نیست. موضوع فصل پنجم بررسی وضع نظام ملی اطلاع‌رسانی در ایران است که مؤلف طی آن به بررسی تعدادی از سازمان‌ها و مراکز متولی امر اطلاع‌رسانی در ایران پرداخته است. سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، و کتابخانه منطقه‌ای علوم و تکنولوژی شیراز از جمله این سازمان‌ها و مراکز می‌باشند. البته در این بخش نیز همه نمونه‌ها به یک اندازه بررسی نشده‌اند.

نظام ملی اطلاع‌رسانی موضوع فصل ششم است. اغلب مباحث این فصل، در فصل‌های قبل و حتی با طیفی گسترده‌تر بیان شده و تکراری است.

فصل هفتم را می‌توان شامل درونمایه اصلی این اثر تلقی کرد. در این فصل طرح نظام ملی اطلاع‌رسانی دانشگاهی تشریح شده است. مقدمه این فصل با هدف تشریح و تأکید مجدد بر اهمیت اطلاعات، لزوم ایجاد نظام ملی اطلاع‌رسانی، به کارگیری فناوری در حال رشد، چگونگی تولید اطلاعات و ارتباط آن با مسئله پژوهش، افزایش کمی و تنوع منابع علمی به خوبی ذهن مخاطب را به اهمیت طرح و تدوین مدل اساسی نظام ملی اطلاع‌رسانی سوق داده است. طرح نظام ملی اطلاع‌رسانی، ساختار کلی نظام ملی اطلاع‌رسانی پیشنهادی دانشگاهی همراه با جزئیات و شوراها و کمیته‌های فرعی و وظایف هر یک از آنها و نمودارها مباحث دیگر این فصل را تشکیل می‌دهند.

بررسی ساختاری کتاب

کتاب نظام ملی اطلاع‌رسانی دانشگاهی در موضوع مربوط نخستین فقره چاپ‌شده در کشور محسوب می‌شود و با پیش‌گفتاری از نویسندگان و یادداشتی از دکتر عباس حری منتشر شده است که مطالعه آن خالی از لطف نیست. لذا بررسی موشکافانه اثر موارد زیر را آشکار می‌کند که در ویرایش‌های بعدی می‌تواند مورد توجه نگارنده اثر قرار گیرد.

۱. مؤلف در جاهای مختلف از برخی اصطلاحات، عبارات و نام‌ها استفاده کرده است که در پاورقی به معادل انگلیسی آنها اشاره نکرده است. عبارات «انقلاب سیاسی اطلاعات»، «انقلاب فرهنگی اطلاعات» و «انقلاب صنعتی اطلاعات» (ص ۲۵) از آن جمله‌اند. در پاره‌ای از موارد به شکل کامل سرنام‌ها و اختصارات اشاره‌ای نشده است، مانند سرنام "VNTIC" (ص ۸۱)، مواردی از این قبیل در صفحه ۹۴ و صفحات دیگر نیز دیده می‌شود.

۲. در متن کتاب مشکلات حروف‌چینی و صفحه‌آرایی وجود دارد. فاصله‌افتادن میان یک کلمه مثل «اطلاعات» (ص ۳۹)؛ ناخوشایند بودن برخی از جمله‌بندی‌ها مثل سطور پایانی صفحه ۱۰۳ و سطور ابتدایی صفحه ۱۰۴؛ و به هم خوردگی سطور پنجم و ششم صفحه ۱۰۶ نمونه‌هایی از این مشکلات هستند. در مبحث مربوط به معرفی «پایگاه اطلاعاتی صنایع ایران» (ص ۱۱۲) به نکاتی در باب معادن فعال و غیرفعال و پایگاه جامع القرآن الکریم برمی‌خوریم، که با عنوان مبحث سختی ندارد.

۳. نگارنده در صفحه ۴۸ نمودار گردش اطلاعات در یک کشور را به نقل از داچن آورده است، در حالی که همین نمودار در کتاب اطلاعات و جامعه اثر محمدرضا داورپناه و معصومه آرمیده با تغییرات جزئی و به شکلی دیگر ذکر شده است.

۴. در برخی از صفحات استنادهای درون‌متنی به شکل صحیحی درج نشده است. برای مثال، در صفحه ۴۸ (رودویک، ۱۳۷۶، ص ۱۵۴)، آمده است، در حالی که شکل نام نویسنده رودویک ام. داچن است و شکل صحیح استناد نیز باید به شکل (داچن، ۱۳۷۶، ص ۱۵۴) باشد. همچنین در موارد اندکی مطالبی از منابع دیگر ذکر گردیده، ولی هیچ استنادی به آنها نشده است، از جمله در صفحه ۴۸ جایی که مؤلف اجزای نظام ملی اطلاع‌رسانی را برشمرده است، دیدگاه دی.ای.کا. ویجاسوریا می‌باشد. که در صفحه ۴۳ کتاب "اطلاعات و جامعه" اثر دکتر محمدرضا داورپناه نیز مورد اشاره قرار گرفته است (داورپناه، ۱۳۷۶، ص ۴۳). مواردی را که نگارنده برشمرده است، دیدگاه دی.ای.کا. ویجاسوریا می‌باشد. که در صفحه ۴۳ کتاب "اطلاعات و جامعه" اثر دکتر محمدرضا داورپناه نیز مورد اشاره قرار گرفته است (داورپناه، ۱۳۷۶، ص ۴۳).

۵. مؤلف در مبحث اجزای نظام ملی اطلاع‌رسانی (ص ۴۸)، به کانال‌های ارتباطی که سهم عمده‌ای در توزیع و دسترس‌پذیر کردن اطلاعات بر عهده دارد، اشاره‌ای نکرده



است. درحالی‌که با مشاهده نمودار گردش اطلاعات در یک کشور به‌نقل از رودویک ام. داچن (۱۳۷۶)، این سؤال در ذهن مخاطب ایجاد خواهد شد که حد فاصل بین منابع اطلاعاتی یا تولیدکنندگان اطلاعات و کاربران اطلاعات را چه چیزی پرمی‌کند یا چه مؤلفه‌هایی در آن میان حضور دارد؟ نمونه این مورد در ذیل مبحث «عوامل عدم ایجاد نظام ملی اطلاع‌رسانی در کشورهای درحال توسعه و جهان سوم» (ص ۷۵) نیز دیده می‌شود که در آن به مشکل آموزش کاربران اشاره شده که جای بحث و بررسی بیشتر داشته است.

۶. در فصل پنجم، زیر مبحث مربوط به سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی و در بحث عملکرد سیستم (ص ۹۴) به دفتر اطلاعات علمی و فنی اشاره شده است، این مسئله در حالی که پیش از آن به موجودیت، هدف و وابستگی آن اشاره‌ای نشده است، برای مخاطب ثقیل می‌نماید. نمونه دیگر از ضعف در انتقال مفهوم را می‌توان در مبحث «وظایف نظام ملی اطلاع‌رسانی» (ص ۱۲۰) مشاهده کرد.

نمونه‌های دیگری از ابهام یا رعایت نابجا از اصل اختصارگویی را می‌توان در مبحث «وظایف کمیته سیاست‌گذاری و هماهنگی سازمان‌دهی و آماده‌سازی منابع اطلاعاتی» مشاهده کرد، جایی که به استفاده از رده‌بندی ان. ال. ام^۵ در کتابخانه‌های علوم پزشکی تأکید شده، ولی به استفاده یا عدم استفاده از رده آر^۶ و برخی از رده‌های فرعی کیو^۷ و ناهماهنگی ناشی از آن در کتابخانه‌های دانشگاهی غیرپزشکی اشاره‌ای نشده است، یا همین‌طور استفاده از رده‌بندی ال. سی^۸ یا دی. دی. سی^۹ و چرایی آن. به‌نظرمی‌رسد مؤلف یا باید به همان کلی‌گویی بسنده می‌کرد یا در صورت ورود به جزئیات بهتر بود برای ابهام‌زدایی به همه سؤال‌های ممکن پاسخ می‌داد.

۷. تکرار مطالب در جاهای مختلف از دیگر اشکالات کتاب است. نمونه آن را با مقایسه مطالب ذکرشده در زیر مباحث مربوط به «پایگاه اطلاعاتی نشریات الکترونیکی فارسی» و «پایگاه اطلاعاتی نشریات الکترونیکی» (ص ۱۰۸ - ۱۰۹) می‌توان مشاهده کرد. نمونه‌های دیگر از این اشکال در بحث «فواید نظام ملی اطلاع‌رسانی» (ص ۴۱) و تکرار آن در صفحات ۱۱۷ - ۱۱۸ وجود دارد. «عملکرد نظام ملی اطلاع‌رسانی» و سه محور عمده آن در صفحه ۴۶ و عیناً در صفحه ۱۱۹ آمده است که تنها تفاوت بین این دو در جایگزینی تنها کلمه «استفاده‌کنندگان» با «کاربران» است. همچنین بحث «وظایف نظام ملی اطلاع‌رسانی» با اندک

تغییراتی در صفحات ۴۶ - ۴۷ و ۱۱۹-۱۲۱ ذکر شده است. ۸. در فصل هفتم برخی از وظایف کمیته‌های مختلف با هم هم‌پوشانی دارد، برای مثال، مورد ۶ از «وظایف کمیته سیاست‌گذاری و هماهنگی مجموعه‌سازی» با مورد ۶ از «وظایف کمیته سیاست‌گذاری و هماهنگی» و مورد ۳ از «وظایف کمیته سیاست‌گذاری و هماهنگی پردازش و ذخیره‌سازی» با هم هم‌پوشانی دارد. نمونه آن را می‌توان با موشکافی در وظایف کمیته‌ها در جاهای مختلف نیز مشاهده کرد.

۹. انتقاد دیگر بر این اثر به روزآمدی منابع بازمی‌گردد. جدیدترین منبع فارسی کتاب مربوط به سال ۱۳۸۲ و جدیدترین منبع لاتین مربوط به سال ۱۹۹۷ است. با توجه به اینکه کتاب در سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۸ م) به چاپ رسیده است، جای خالی یافته‌های جدید در آن احساس می‌شود و فاصله حداقل پنج سال برای جدیدترین منبع فارسی و ۱۱ سال برای جدیدترین منبع لاتین جای بحث دارد.

به هر حال، با توجه به اوضاع نه‌چندان مساعد جایگاه اطلاعات در نظام دانشگاهی ایران و وجود مؤسسات فعال با کارکردهای موازی و نابسامانی‌های دیگر، مطالعه این منبع به دست‌اندرکاران حوزه اطلاعات و سیاست‌گذاران این حوزه پیشنهاد می‌شود.

پی‌نوشت‌ها:

1. Farhadpoor2001@yahoo.com
2. National Information System (NATIS)
3. Drucker, P. F.
4. Duncon, R. B.
5. NLM
6. R
7. Q
8. LC
9. DDC

مآخذ

داورپناه، محمدرضا؛ آرمیده، معصومه (۱۳۸۴). تهران: دبیرش.

Wijasuriya, D.E.K. (1979). The Development of National Information Systems". Journal of Information Sciences, vol. 1, no. 1, p.2734-

**جدیدترین منبع فارسی
کتاب مربوط به سال
۱۳۸۲ و جدیدترین منبع
لاتین مربوط به سال
۱۹۹۷ است. با توجه
به اینکه کتاب در سال
۱۳۸۷ (۲۰۰۸ م) به چاپ
رسیده است، جای خالی
یافته‌های جدید در آن
احساس می‌شود**